



نام کتاب: اساطیر ایران



کاری از: محمد مهدی حاجی پروانه

منبع: کاشف



اساطیر ایران

کردند در نظر آنان آسمان فضای بی ایرانیان باستان جهان را گرد و همواره مانند بشقابی تصور می بود که جهان را مانند پایان نبود بلکه جوهری سخت همچون صخره ای از الماس پوسته ای در بر گرفته بود

بود نه دره ای و نه کوهی خورشید و ماه و اختران زمین اصلی دست نخورده و هموار چیز آرام تا زمانی که شر به عالم وارد بالای زمین بی حرکت در وسط آسمان همه شد

فرو رفت و در میان زمین تاخت و زمین آسمان را شکست و به آن داخل شد به آب لرزید و کوه ها پدید آمدند

بود که 800 سال طول کشید تا از زمین بیرون بیاید. دویست سال کوه اصلی البرز پایه (نام طبقه ای در آسمان) و 200 سال تا خورشید پایه و 200 طول کشید تا به ستاره آسمان رسید (فکرش رو بکن 1400 سال تا آخر آسمون راه سال هم به منتهی الیه !!!))

که در مورد پیدایش جهان به نظرم میاد سخن قرآنه که ذات دنیا نکته جالبی *** که خدا روز رو آفرید و روز چون لباسی دنیا رو فرا گرفت تاریکی بوده تا زمانی

1.vayu (ویو)

که در ابر باران یکی از اسرار آمیز ترین خدایان هندو ایرانی است. خدای باد. خدای زرا زندگی می دمد و در طوفان مرگ

بدن او ساخته شده پیدا شده و هم اهورا مزدا و هم وی از نفس غول جهانی که دنیا از اهریمن برای او قربانی میکنند

واهریمن در پایین و ظلمت ویو در مابین در حالی که اهورا مزدا در بالا و روشنایی کند آنها و در خلا حکمرانی می

!تیشتریه یا تیشتر) و دیو خشکسالی) tishtrya.

شخصیت دیگر است که با یکی از پدیده های طبیعی یعنی باران ارتباط دارد اما تیشتر دیوگانگی در شخصیت این خدا وجود ندارد مفهوم

که (اپوشه یا اپوش) Apaosha با وی نیروی نیکوکاری است که در نبرد کیهانی است در گیر می شود عامل خشکسالی و تباہ کنندگی زمین

سرچشمه باران و تیشتر ستاره تابان و شکوهمند نخستین ستاره اصل همه آبها و باروری است

دارد گفته اند که در دهه نخست چهارمین ماه سال معادل ژوئیه به تیشتر اختصاص آید (پانزده سالگی سن آرمانی در این ماه تیشتر به صورت مردی پانزده ساله در می

) تفکر ایرانی بوده است

به صورت گاوی نر و در دهه سوم به صورت اسب در دهم دوم

جنگ میان او و دیو خشکسالی او به شکل در سرودی که به تیشتر اختصاص دارد در سیاهی است در هم می آویزند اسب زیبای سفید با گوش های زرین با اپوش که اسب اندوه به سوی اهورا مزدا اما اپوش نیرومند تر بوده و پیروز می شود تیشتر با غم و های مردم بیان می آمده و علت ناتوانی خود را عدم شایستگی نیایش ها و قربانی

() کند!!!!!!(عجب کلکی بوده ها

برای او قربانی می کند تا نیروی 10 اسب، 10 شتر، 10 گاو آنگاه هور مزد خود شود نر، 10 کوه و 10 رود در او دمیده

این بار او پیروز می شود و آب می تواند بی مانع در مزارع و چراگاهها جاری شود. ****اما حیفم اومد واقعیت اسطوره ای قرآن رو در این باره نگم: ((آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند و پس میان آنها پیوند می دهد . بعد متراکم می کند . در این حال دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود و از کوههایی که در آسمان است دانه های تگرگ را نازل می کند و هر کس را بخواهد به می رساند و از هر که بخواهد این زیان را برطرف می کند نزدیک است آن زیان **اناهیتا یا ناهید): خدای آب های نیرومند بی (Anahita. ببرد!))** 3 برق آن چشمها را آرایش

منبع همه باروری اناهیتا ایزد بانوی ایرانیان سرچشمه همه آبهای روی زمین است. او هاست.

کند نطفه همه نران را پاک و رحم همه مادگان را تطهیر می

او نیرومند و درخشان، بلند بالا و زیبا پاک و آزاده است. تاج زرین هشت پره صد ستاره ای بر سر دارد و جامه زرین بر تن و گردن بند صد ستاره بر گردن در جایگاه آسمانی قرار دراد.

رومی می گوید رد ناهید در اناطولی دارای معابد بسیاری بوده که استرابون مورخ روسپی گری انجا از دختران اشراف خواسته می شده پیش از ازدواج در این معابد به این خدا بانو مقدس بپردازند!!!!!! اما از شواهد و قرائن بر می آید که در ایران پیرامون داشته اند آئینی با هرزگی وجود نداشته و کاهنه های در خدمت این خدا تعهد پاکدامنی

پیروزی ورثرغنه یا بهرام): خدای (verethraghna.

غیر قابل بهرام وجودیست انتزاعی از یک اندیشه. تعبیری از نیروی پیشتاز و مقاومت.

تند 2. گاو نر زرد در سرودی که به او اختصاص دارد او دارای 10 شکل است: 1. یاد پا گوش و زرین شاخ 3. اسب سفید با ساز و برگ زرین 4. شتر بارکش تیز دندان که بر زمین می کوبد 5. گراز تیز دندان که به یک حمله می کشد 6. جوانی در سن 15 سالگی 7. پرنده تیز پروازی که شاید کلاغ باشد! 8. قوچ وحشی 9. بز نر جنگی 10. مردی زرین تیغه در دست دارد که شمشیر

و هگن بر غول یا اژدها بهرام ایرانی بر خلاف همتایان هندی خود ایندیره یا ارمنی است. وبدکاران و نادرستان را غلبه نمی کند بلکه غلبه او بر شرارت آدمیان و دیوان عقوبت می کند.

سپاهی به سرزمین های آریایی وارد میشود چنانچه نیایش و قربانیها درست باشد نه و نه بلا

جنگجوست بهرام اساسا خدایی

دو تجسم از تجسم های او به ویژه محبوبیت همگانی دارد یکی پرنده ای بزرگ و دیگری گراز

خرافات به پر کلاغ داشتند و می پنداشتند که این پر ایرانیان قدیم ترسی آمیخته به کند انسان را حفظ می

5. Rapithwin (سرور گرمای نیمروز):

گرمای نیمروز و سرور ماههای تابستان وقرینه لازم و سودبخشی رپیثوین خدای پیش از ورود شر هنگامی که بی حرکت در بالای جهان برای تیشتر است. خورشید بود. بنابراین او سرور جهان آرمانی است. در عقیده ایستاده بود در اختیار رپیثوین روز که متعلق به رپیثوین است قربانی کرد و از ایرانیان باستان هورمزد در زمانی از نیز زمان به رپیثوین تعلق دارد که رستاخیز به آن آفرینش به وجود آمد. در پایان جهان نوروز است هم روز نودر سال واقعی و انجام می رسد. جشن رپیثوین بخشی از جشن هم روز نو در زمان آرمانی آینده

آمدن رپیثوین زمان شادی و امید به رستاخیز است. نمادی از پیروزی نهایی و بنابراین آفرینش نیک همیشگی

Agni (اگنی):

priest آتش قربانی را دریافت می کند و به عنوان اگنی خدایی است که به صورت دارد دین مرد) آن را به خدایان تقدیم می

زا عنصر آتش همچنین در عالم پراکنده است. خورشید در آسمان برین در ابر طوفان افروخته می شود و به صورت برق به زمین فرود می آید و در اینجا دائما به دست مردمان دوباره متولد می شود. بنابراین اگنی راه خدایان نامیده می شود که از آن می آتر یا (Atar)!!! توان به قله های آسمان رسید. البته بیشتر خدایی هندیست تا ایرانی (آتش)

آنها سنتیز میان آتروغول درباره آتر فقط چند اسطوره ای به ما رسیده است. یکی از است از هوس اژی دها بر سر فره ایزدی است. اژی سه پوزه بد آیین که تجسمی نیز برای ویرانگر برای به چنگ آوردن فره ایزدی. بتاخت تا آن را خاموش سازد. آتر به به دست آوردن آن شتافت آن فره دست نیافتنی را نجات دهد. اما اژی که همچنان دنبال او می تاخت و ناسزا می گفت فریاد برآورد که اگر آتر فره را به دست آورد بر او خواهد تاخت و هرگز به او اجازه نمی دهد که در زمین بدرخشد

تردید شد اثری تاخت تا فره را به دست آورد. این بار نوبت آثر بود که چون آثر دچار بگشاید. (ای اژدهای سه پوزه باز گرد و گرنه بر پشتت زبانه می کشم زبان به تهدید ((! افکنم که دیگر نتوانی در زمین اهوره گام برداری و در دهانت شعله کشید و فره ایزدی همچنان دست نیافتنی ماند. (امان خلاصه اثری هراسان خود را پس

) از این ایرانی ها

مشکل بتوان معنای واقعی این اسطوره را درک کرد اما به خوبی از آن بر می آید که ایرانیان باستان زندگی را نبردی میان نیروهای خیر و شر می دیدند. به همین سبب آثر **وخدا هومه یا هوم**: گیاه) **Haoma**. با عنوان جنگجوی خوب دلیر می نامیدند را حال بسیار هوم هندوایرانی در ذهن غریبان تصویر است تقریباً در نیافتنی و در عین آشنا!

قربانی غیر خود هوم هم گیاه است هم خدا. هوم را موبد ایزدی به شمار می آورند که و خونین است اما قربانی خونین انجام می دهد. مرگ او شر را شکست می دهد. ضیافت آیینی) به اسرار زندگی دست می یابند) **mayazd** مومنان با شرکت در آسمانی که پسر اهورا مزداست. به خدایان دیگر فدیة نثار می کند و سهم خویش را هوم! موبدان زمینی بر می دارد چون

اگر سهمی به او تخصیص داده با این کار او می تواند از روح قربانی مواظبت کند و خواهد کرد. از سوی دیگر در نشود آن قربانی در روز داوری از قربانی کننده شکایت داشته است اسطوره های باستانی این گیاه اثری معجزه آسا در شفا بخشی گرفته اند با توجه به اینکه موجودات آسمانی که در تمامی ادیان باستانی گذشته شکل همگی دارای شخصیت قهرمانی نیز بوده اند و اکثراً به افسانه نزدیکترند تا به اسطوره. در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می شود. که در اصطلاح اسطوره شناسی به **: (یمه یا جم) Yima**: قهرمانان ایزدی معروفند

به مجموعه عقاید دوران هندوایرانی تعلق دارد. جم در جم شخصیت دیگریست که ساله اش در زمین بسیار مورد احترام است. از ایران به سبب فرمانروایی هزار بوده و در طی آن دیوان و اعمال ویژگی این فرمانروایی آرامش و وفور نعمت نداشتند زشتشان- ناراستی و گرسنگی و بیماری و مرگ- هیچ نفوذی ناگزیر در جهان در زمان فرمانروایی او چنان از سعادت بر خوردار است که زمین شود سه نوبت گسترش می یابد و در پایان فرمانروایی او دوبرابر گسترده تر می! بنابراین جم یا جمشید بیشتر به صورت شاه جلوه گر است تا خدا

وره) یا دژی در زیر زمین مورد تمجید است) **vara** به سبب ساختن جم همچنین داد که مردگان گرفتار سه زمستان هراس انگیز خواهند شد که بر آفریدگار بدو هشدار

) حیوانات نابود می شوند. (عصر یخبندان اثر آن همه مردمان و

ساخت و از همه تخمه های حیوانات و گیاهان مفید به همین دلیل او دوی در زمین از دوران سخت جهان دوباره آبادان شود و بهترین مردمان را به آنجا برد تا پس

شده است چرا که برای خوشنودی مردمان از جم همچنین به عنوان گناهکار نیز یاد و گمان میرفت قربانی کردن آن خوردن گوشت گاو را که بر خلاف آیین زردشت بود موجب بیماری انسان میشد! به مردم توصیه کرد

دیگر آمده که وی مغرور شد و با ادعای خدایی مرتکب دروغ شد. و چون در جایی شیرین و خوش آمد فره اش در سه نوبت به صورت مرغی به سخن دروغ در نظرش گریخت و نخستین بار مهر و باردوم فریدون و سوم بار گرشاسب پرواز در آمد و از او آن را گرفتند

گناه او هر چه بود چون فره از او گریخت لرزان و اندوهگین در برابر به هر حال و کشته شد دشمن قرار گرفت

: (هوشنگ و تخمورو) تهمورث

ایران باستان چندین روایت درباره نخستین شاه وجود داشته چنین می نماید که در شخصیت دیگر نیز نخستین شاه نامیده شده اند. هوشنگ است. زیرا علاوه بر جم دو ! و تهمورث

صورت نخستین فرمانروایان افسانه ای یکی پس از دیگری این دو نخستین شاه به روزگاری از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده اند گنجانده شده اند. گرچه اینان هفت اقلیم بود و بر مردمان و دیوان حکمرانی هوشنگ در دوران باستان فرمانروای گریختند می کرد. همه جادوگران و دیوان از برابر او اقامت مزنه که همان مازندران کنونی است) دیوان و جادوگران بسیاری) mazana در داشتند که دو سوم آنان به دست هوشنگ دلیر کشته شدند. فرمانروایی او دوران استقرار قانون در روی زمین است و از او و همسرش نژاد ایران به وجود آمد مانند هوشنگ و دیگر مردمان نیک سیرت دیوان را شکست داد. به بت تهمورث جادوگر تاخت و حرمت راستین آفریدگار را رواج داد پرستان و مردان و زنان به صورت اسبی در آورد و تاسی سال سوار بر او گویند در نبرد با شر اهریمن را گشت گرد زمین را

: (ثریته) (اثرط)، ثریتونه (فریدون)

جهان داستانهایی را از نبردهای میان قهرمانان ایزدی روایات دینی در سراسر از کسانی به شمار می آید که هومه مقدس (که قبلا و غولها در بر دارند. ثریته یکی است معرفی شد!) را آماده ساخته و نوشیده

در ایران وظیفه این خدا در وجود دو شخصیت ظاهر می شود شفا بخش است و آماده سازنده هوم و ثریتونه (فریدون) که ازدها کش ثریته (اثرط) که است

انسانی بود که هوم را برای جهان مادی آماده ساخت و از آفریدگار اثرط سومین دارویی ببخشید که با آن بتوان در برابر درد و بیماری و پوسیدگی و خواست که به او اهریمن آن ها را با جادوگری خویش در میان مردمان پراکنده عفونت و مرگ که ! کند کرده بود ایستادگی

در پاسخ این درخواست آفریدگار هزاران گیاه شفابخش را که برگرد
 گوکرنه) در دریای کیهانی می رویند فرو فرستاد. از این رو از (gaokerena درخت
 .عنوان کسی که بیماری وتب و مرگ را از مردمان دور ساخت یاد می شود اثرط به
 درخواست می شود که مردمان را در برابر جرب وتب وضعف یاری از فریدون نیز
 اژدهای سه پوزه شش چشم(دهاکه یا همان ضحاک) بود. آن دیو کند. زیرا همه اینها کار
 . پارسایی و خانه مردمان را نابود سازد دروغی را اهریمن آفرید تا
 می آورد اما نمی تواند او را فریدون بر سر وگردن وقلب دهاکه گریزی فرود
 سبب آن شمار بسیاری از بکشد. سرانجام تیغی بر می دارد و بر بدن او می کشد که به
 موجودات ترسناک و نفرت انگیز از بدن او بیرون می ریزند
 ترس اینکه مبدا موجودات زیانکار چون مار وزغ وکژدم وچلپاسه و لاکپشت از
 را فراگیرند فریدون از تکه تکه کردن آن غول صرف نظر می کند و قورباغه جهان
 زنجیر کشیده و در کوه دماوند زندانی میکند. که البته چنانکه خواهیم در عوض او را به
 !!!آینده از اینکه فریدون ضحاک را نکشته تاسف خواهند خورد دید مردمان در
 فریدون او را به مقام پیروزمندترین انسان رسانده و فره جم را نصیب او می پیروزی
 کند.

(گرشاسپه یا گرشاسب) Keresaspa:

گیسودراز گرز به دست یکی دیگر از قهرمانان اژدها کش گرشاسب قهرمان جوان
 بزرگ باستانی ایران است
 نیز همچون فریدون ایزد به شمار نمی آید و از این رو زردشتیان او را نیایش نمی وی
 کنند، بلکه فقط برای او با نیت خاصی قربانی می کنند
 زرین پاشنه را کشته است که با دهان گشاده برای بلعیدن گفته شده او گندروه اژدهای
 خورشید می رسیده و می توانسته دوازده مرد را یک باره حرکت می کرده و سر او به
 انگیز نه شبانه روز در دریای کیهانی به درازا کشید ببلعد. نبرد با این غول هراس
 و ناپاکارانی که به دست گرشاسب مرده اند بسیارند غول ها و راهزنان
 کمک) است که در هوا بال می گشود (kamak نام یکی از آنها مرغ غول پیکری به
 زمین برسد و زمین را می پوشاند و نمی گذاشت باران به
 بگریزد در یک مورد گرشاسب ناچار شد که ترسان از برابر اژدهای شاخدار
 آن غول داغ شد و عرق کرد))
 با حرکتی به پیش جست
 جوشان را به این سو و آن سو می پاشید در حالی که آب
 ((!گرشاسپی دلیر از ترس گریخت
 خود در در پایان جهان بار دیگر گرشاسب مردمان را از دست دهاکه را که از زندان
 کوه گریخته نجات می دهد

سهمناکی از او سر می زند و یک دهاکه با خشمی دیوی بر آفریدگار می تازد و گناهان او دوباره زنده می سوم مردمان و جانوران را می بلعد. آفریدگار گرشاسب دلیر دهد کند و او از دها را با گرز معروف خود می زند و جهانیان را نجات می و گرچه گرشاسب به واسطه دلیری مورد احترام است اما به علت بی اعتنایی به دین احترام نگذاردن به آتش (که کانون زندگی دینی مردمان باستان بوده) در زمان ورود به بهشت با وجود اینکه کار های خود را یک به یک بر می شمرد اما آفریدگار خواهش نمی پذیرد او را

سر انجام پس از خواهش های بسیار گرشاسب که می گریست و زاری فرشتگان و درخواست زردشت اجازه ورود به بهشت را دریافت می کند

اهوره مزدا (سرور دانا) Ahura Mazda

و نه می فریبد. این سرور ویژگی بارز او خرد است. کسی که نه فریب می خورد دلیل دشمن عمده اش بخشنده و خیر مطلق است. او پدر و مادر آفرینش است. اما به !!! اهریمن قدرت او محدود است

مغلوب و اهوره مزدا با قدرت مطلق فرمانروایی کند اما زمانی فرا می رسد که بدی بر دارد. زیباترین شکل های او شکل خورشید بر او جامه ای مزین به ستارگان در است. آسمان و تجسم روشنی بر روی زمین خورشید چشم او و تختش در عرش اعلی است

بدی هیچ ارتباطی ندارد. به همین دلیل زردشتیان در نظر انسان باستان او را مزدا با دارد که آفریدگان او و حتی پسر خودش! خدای مسیحیان را به سبب اینکه روا می دچار رنج شوند را محکوم می کنند

معتقد بودند که رنج (آفرینش خوب) را تباه می کند و این امریست که با وجود آنها نمی تواند اختیار آن را در دست بگیرد. اما روزی بر آن چیره می شود اهریمن خدا

رنج اما باز قرآن در این باره جمله تکان دهنده ای دارد: ((مسلم ما انسان را در *** و آفریدیم)) که در تفسیر آن ماهیت جهانی که انسان در آن قرار گرفته آمیخته با محنت رنج است که راه پایان این رنج را در ادامه چنین بیان می کند: ((و او را به خیر و شرش هدایت نمودیم))

امشاسپندان: دختران و پسران خدا) Amesha Spenta وجود یا جلوه خدا سخن می گوید که خدا آنان را بر حسب اراده خود زردشت از هفت آفرید است

1. (سپند مینو) روح نیکوکار.
2. (وهومنه یا بهمن) اندیشه نیک.
3. (اردیبهشت) راستی آشه یا.
4. (مطلوب یا شهریور) شهریاری "Khshathra Vairyā" خستره ویره.

(ارمیتی یا اسپندارمد) اخلاص. 5

(هوروتات یا خرداد) کمال. 6

(یا مرداد) بیمرگی امرتات. 7

در اقامتگاه خود همه این هفت فرزندان خدا! بر تخت های زرین در کنار اهوره مزدا یعنی خانه سرود ها یا همان عرش اعلی قرار دارند راستکاران پس از مرگ به آن می رسند عرش که

بهمن): اندیشه نیک) Vohu Manah

می نشیند. او پشتیبان حیوانات زاده خدا در طرف راست اهوره مزدا بهممن نخستین است. اما با انسان ها نیز سروکار دارد. بهممن بود که آشکارا در برابر سودمند در جهان گزارش روزانه اندیشه و کردار و گفتار مردمان را تهیه نمود زردشت ظاهر شد و پارسایان خوشامد می گوید و آنها را به بهشت رهنمون می کند بهممن بعد از مرگ به خشم)، از (غلط) Aeshma مخالفت با آنها بر می خیزد دیوانی که بهممن به اندیشه بد یا بی نظمی (هستند) Aka Manah (اندیشی) و بالاتر از همه باستانی به شمار می آید که البته از پس از اهریمن بزرگترین دیو در آیین

اشه یا اردیبهشت): راستی) Asha

بلکه نماینده زیباترین فرزند اردیبهشت است. نه تنها در برابر ناراستی قرار می گیرد. قانون ایزدی و نظم اخلاقی در جهان نیز هست شناسند از بهشت محرومند، زیرا آنان بیرون از کل نظم خدا آنان که اشه را نمی هستند.

کنند تا بتوانند این فرمانروای بهشتی را ببینند و راهش را ادامه دهند پارسایان نیایش می از شادی او به سر برند و در بهشت پر

دیوان و جادوگران و اشه نظم را در زمین نگه می دارد چرا که بیماری و مرگ و سرکوب می کند آفریدگان شریر که همگی در برابر نظم خداوندی سر بر می آورند را بیش از آنچه باید او حتی نظم در دوزخ را بر عهده دارد تا دیوان بدکار را در آنجا !!! تنبیه نکنند

انسان است که انسان را از قانون (اینده) روح ارتداد در) Indra بزرگترین دشمن اشه و نظم خداوندی دور می سازد

مطلوب خشته ویره یا شهریور): شهریاری) Khshathra Vairya

شهریور انتزاعی ترین فرزند است

توانایی، شکوه، سیطره و قدرت خداست در جهان مینویی او نماینده او مظهر و در زمین نماینده سلطنتی است که با کمک کردن به فقرا و فرمانروایی بهشتی است. ها، اراده خدا را در آن مستقر می کند ضعفا و با چیرگی بر همه بدی فلز گداخته ای در پایان جهان همه به دلیل پشتیبانیش از فلزات وی با جاری شدن دارد مردمان را به آزمایش خواهد کشید ارتباط می از این رو گفته می شود که خدا از طریق او پاداش و مکافات اخروی را تعیین کند. (سوروه) است که سردهسته حکومت بدو هرج و مرج و مستی) Saurva هم‌آورد اصلی او است.

ارمیتی یا اسپندارمد): (اخلاص) Armaiti

اسپندارمد دختر اهوره مزداست و در طرف چپ او می نشیند. نظر اوست می گویند که به چهار پایان چراگاه می بخشد اما چون زمین زیر بر می آید که بجاندیشی یا اخلاص معنی می دهد خصوصیت راستین او از نامش. هماهنگی مذهبی و پرستش است وی مظهر فرمانبرداری مومنانه. راه می رود آزوده می شود اسپندارمد زمانی که انسان بی ملاحظه و لاقید بر زمین فرزند پارسایی زائیده اما زمانی که پارسایان بر زمین به کشت و کار می پردازند یا می شود شادمان می گردد. (کج اندیشی) (اند) Pairimaiti (گستاخی) و) Taromaiti هم‌آوردان اصلی او

بیمرگی امرتات یا مرداد): (کمال و) Ameretat هوروتات یا خرداد) و) Haurvatat

باستانی باهم ذکر شده اند. خرداد که به معنی این دو موجود مادینه همیشه در متون نجات برای بشر است تمامیت، کلیت و پری است مظهري از مفهوم مرداد تجلی دیگر رستگارس و جاودانگی است. با آب و گیاه ارتباط دارند. هدایای آنان ثروت و رمه چهارپایان این دو امشاسپند. آرمانهای نیرومندی و سرچشمه زندگی و رویش هستند. این دو نماینده اند هم‌آوردان خاص آنها گرسنگی و تشنگی

سروش یا سروش): (فرمانبرداری) Sraosha

سروش به معنی اطاعت یا انضباط یکی از چهره های محبوب ایران باستان است. ایزد در تمامی آیینهای دینی وجود دارد، زیرا که او در نیایش ها و سرودهای این دارد و خدایی است که نیایش ها را به بهشت منتقل می کند. در کتب مردمان جای نام سرور مناسک دینی یاد شده است و از آنجا که مناسک دینی باستانی از سروش با

به شمار می آمده از این رو سروش نیز چون جنگجوی نیروی موثر در نابودی بدی توصیف شده است مسلح و بهترین در هم کوبنده دروغ زندومخالفت او با تیر جنگیش کاسه سر دیوان را خرد می کند ، به اهریمن ضربه می ایشمه یا خشم) دارد) Aeshma سختی با سو و آن سو می روند پاسداری می کند. او سروش جهان را در شب که دیوان این های نوعی گیاه که مقدس شمرده می نخستین کسی بود که برسُم(دسته ای از شاخه مزدا کرد شد) را در مناسک دینی گسترد و دعا ها را تقدیم اهوره درون خود به خانه هزار ستونی او در بالاترین قله کوه البرز قرار دارد. این خانه از خود روشن است و از بیرون از ستارگان نور می گیرد و روشن بر داوری روان ریاست دارد سروش به همراه مهر

و حافظ چه زیبا میگه

نباشد جای پیغام گر نباشی آشنا زین پرده رازی نشنوی..... گوش نامحرم سروش

(اهریمن انگره مینیو یا) Angra Mainyu

اهریمن شهرت یافته است رهبر گروه دیوان انگره مینیو که در زبان فارسی میانه به است. او در جایگاه شرارت اقامت دارد. اهریمن هدف او ویران کردن و تخریب جهان پایان در شمال که بر حسب سنت جایگاه دیو دیوان است و در گودالی در تاریکی بی نظمی ویژگی اهریمن است دیوان است اقامت دارد. نادانی و زیان رسانی و بی مار یا مرد جوانی او می تواند صورت ظاهریش را عوض کند و به شکل چلیپاسه ، ظاهر شود. بوجود می آورد همانگونه که اورمزد زندگی را می آفریند او مرگ را و آفرینش بد! نابود در پایان دنیا با وجود تلاش های بسیار اهریمن او شکست می خورد می شود. مادی نداشته و فقط می در نوشته های گذشته این چنین آمده است که اهریمن وجود تواند در تن آدمیان و حیوانات چون انگلی جای گیرد زرتشت ضربه سهمگینی به پیکر اهریمن فرود آورد و او سعی کرد زرتشت را تولد نتوانست بفریبد اما خوب تا اینجا درباره اساطیر برجسته ایرانی صحبت کردیم. اسطوره آفرینش رو هم بیان می کنم که داستان بدی نیست اما در ادامه

در آغاز هم اورمزد وجود داشت و هم اهریمن! اورمزد با علم مطلق خود از وجود آگاه بود روح بد بود ولی اهریمن که همیشه نادان و احمق است از هستی اورمزد بی اطلاع اهریمن به محض اینکه اورمزد و روشنی را دید طبیعت ویرانگرش او را به حمله و تخریب وادار کرد.

ستایش کند اورمزد به او پیشنهاد آشتی داد به شرطی که آفرینش خوب را ضعف می اما اهریمن که دیگران را چون خود می دانست پیشنهاد آشتی را از موضع پنداشت و آن را نپذیرفت.

ابد ادامه خواهد یافت از این رو گفت اورمزد که می دانست اگر قرار به نبرد باشد تا که دورانی برای نبرد معین گردد.

روی کند هوشی آن را پذیرفت و بدین ترتیب نابودی خود را مسجل کرد اهریمن از رسد که انسان باستان بر این باور بوده است که اگر شر را رها کنند چنین به نظر می تدریج به عمل پردازد همه چیز را نابود خواهد ساخت تا به آرامی و به شود توفیقی نخواهد یافت اما اگر به صحنه نبرد کشیده آفرینش اصلی است دومین سه بنابر آنچه در اسناد آمده نخستین سه هزار سال دوره شود سومین سه هزاره هزاره بنا به درخواست اورمزد بی هیچ تنشی سپری می می خورد دوران آمیختگی خیر و شر است و در چهارمین سه هزاره اهریمن شکست شر و سه در آیین پیشینیان از این دوازده هزار سال نه هزار سال فرمانروایی هزار سال آن دوران نابودی آن است.

بعد از تعیین دوران نبرد تعیین دوران نبرد اورمزد دعای مقدس را خواند و اهریمن به دوزخ گریخت و بعد از در آنجا بیهوش ماند سه هزار سال.

آفرید در این مدت اورمزد در ابتدا امشاسپندان و سپس ایزدان را آفرید بعد آسمان و سپس آب، زمین، گیاه، حیوان و در نهایت انسان را سفید نخستین آفرینش ها همه در حالت مینویی بودند. درخت بدون پوست و خار، گاو و چون ماه و کیومرث که نخستین انسان بود چون خورشید می درخشید اما بر اثر حمله اهریمن همه چیز به هم خورد.

جهان را در برگرفته به همین سبب اورمزد آسمان را پوشش سختی قرار داد که و چون زندانی برای اهریمن او را در دام افکند.

اهریمن بی هوش به دوزخ افتاد همه دیوان کوشیدند که او را به هوش بعد از اینکه اینکه جهی بدکار که تجسم تمامی ناپاکی های زنانه است سر رسید آورند. اما نشد تا نخستین انسان یا مرد راستکار "وگاو را دچار چنان رنج هایی" و قول داد کیومرث بی ارزش شود سازد که زندگی در نظرشان

زنده سازد همچنین قول داد به همه آفریدها حمله کند و روح پلیدی را در آنها

آرزوی جهی رامبنی بر به این ترتیب اهریمن جان تازه ای گرفت و برای سپاسگزاری برآورده ساخت اینکه همه مردان همواره به دنبال او و در آرزوی او باشند را شکافتند از آب رد شدند و به اهریمن و تمامی دیوان به زمین حمله کردند و آسمان را وسط زمین رسیدند.

سیاه از راه رسیده است. تمامی گیاهان آسمان و زمین چنان تار شد که گویی شب معرض حمله اهریمن دچار تمامی زهرآلود شدند و همگی پژمردند. گاو و کیومرث در سرانجام شیرش خشک شد. بلایا ((آز، نیاز، دردوگر سنجی، بیماری و کاهلی)) شدند. گاو هیچکدام نتوانستند و مرداما چون فرمانردایی انسان سی سال تعیین شده بود دیوان انسان را کاملاً نابود سازند.

آفریده های بد قرار گرفتند: دروغ تمامی آفرینش های خوب در برابر اعتدال و وراستی، جادوگری و کلام مقدس، افراط و تفریط در برابر

تمامی جهان مادی از بین رفت و سر انجام انسان نیز مرد گرفته است در این زمان چنین می نمود که اهریمن پیروز شده و شر تمامی دنیا را فرا اما داستانی دیگر در پیش بود

تصمیم گرفت به جایگاه خود در تاریکی بازگردد. اهریمن پس از پیروزی نمایان خود تن اما مینوی آسمان مرد جنگجوی زره بر

و فروهر که همان شکل مینویی انسان است راه را بر او بستند

آسمانی و حقیقی هر انسان است که اگرچه انسان مادی کار بد انجام می فروهر خود در آسمان بدون تغییر می ماند دهد اما فروهر او

از زندانی که به زور وارد آن شده اینان در برابر اهریمن ایستادند و از فرار اهریمن بود جلوگیری کردند.

در حالی که اهریمن در زمین گرفتار شده بود شروع به بدین ترتیب زندگی دیگر بار شکوفایی کرد.

ایجاد نمود آب ها آفریدگان بد را شستند و زمین بارور شد اما تخم تیشتر باران را کاشته شد شکست اهریمن در زمین

روید نطفه او به ماه از اندام های گاو 55 نوع غله و دوازده نوع گیاه دارویی بر زمین رسید و آن حیوانات مختلف به وجود آمد

نطفه او به زمین رفت و از تن او فلزات بوجود آمد چون انسان درگذشت

انسان را نابود کرد اما از مرگ آنها زندگی گسترده تری با وجود اینکه اهریمن گاو و اهریمن را فراهم کرد آغاز شد و مقدمه نابودی

آمدند نخستین زوج بشر از نطفه کیومرث که در زمین ریخته بود بیرون

مرد نخست به شکل گیاهی پیوسته به هم رویدند به طوری که تشخیص این که کدام است و کدام زن ممکن نبود

ده نژاد بشر بود این دو با هم درختی را تشکیل می دادند که حاصل آن

در قرآن نیز میان ریشه آدم ابولبشر و نژاد او تمایزی بیان شده است***
همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید، و آفرینش انسان را از گل آغاز او))
کرد،

سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. سپس (اندام) او را
(...موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید

سر انجام وقتی به صورت انسان (مشیه و مشیانه) در آمدند اورمزد مسئولیت هایشان
به آنان آموخت را

را بخشیده ام شما تخمه بشر هستید، شما نیای جهان هستید، به شما بهترین اخلاص))
(. نیک بیندیشید، نیک بگویید و کار نیک بکنید و دیوان را مستایید

: اما باز در قرآن درباره تعلیم به انسان آیات فوق العاده ای وجود دارد***
ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت))
بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد. چه
بدانید (اینکه او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید، اما
(. ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند

کند اما شر در آن نزدیکی در کمین نشسته بود تا آنان را از راه راست منحرف
اهریمن اهریمن بر اندیشه آنان تاخت و نخستین دروغ را بر زبان آوردند: گفتند همانا
!!!! آفریدگار است

بود بدین گونه انتساب اصل جهان به شر، نخستین گناه بشر
گرفته از این لحظه به بعد سرگردانی نخستین زوج در جایی که خدا برایشان در نظر
بود آغاز شد

پرداختند قربانی کردند اما ایزدان را خوش نیامد و به نوشیدن شیر
شدند اما گرچه چاه کردند، آهن گداختند، ابزار های چوبی ساختند و در کار باهم سهیم
آرامش و هماهنگی حاصل نشد و جز خشونت و شرارت چیزی بوجود نیامد
اندیشه نخستین زوج بشر را با این اغوا که پرستش آنان بر پرستش خدا ارجح دیوان
ساختند و به مدت 50 سال میل به هم آغوشی را از آنان ربودند که از نظر است تباه
تباهی آنان شد اخلاقی موجب

سبب اورمزد وقتی هم نخستین زوج فرزندان پیدا کردند، آنها را خوردند و به همین
شیرینی فرزند را از آنان بر گرفت

و مشیانه وظیفه خویش را با بدنیا آوردن همه اما بالاخره با توجه خدایگان مشیه
نژادهای بشر به انجام رساندند

رابطه با اسطوره های پایان جهان باید گفت که انسان باستان معتقد بود اگر مرگ در
زندگی انسان باشد به معنای پیروزی اهریمن است چرا که انسان برای زندگی پایان

این رو همواره به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند آفریده شد. از پیرامون تن می‌گردد. نخستین شب به سخنان خود پس از مرگ روان به مدت سه شب. هایش و شب سوم به کردارش در زندگی می‌اندیشد، شب دوم به اندیشه و تن آرزوی دوباره این سه شب زمان تاسف روان است بر تن. زمان نیست که روان یکی شدن را دارند

را دچار رنج و عذاب کنند از این رو روان در این مدت نیز دیوان در کمین اند تا روان حمایت کند به پشتیبانی سروش عادل نیاز دارد تا او را

شود سه شب پس از مرگ در سپیده دم هر روانی می‌رود تا درباره اعمالش داوری آید هنگامی که روان از محل قضاوت بیرون میرود راهنمایی به پیشوازش می‌نسیمی خوشبو و دوشیزه ای که از او هرگز کسی زیباتر ندیده است از رایتکاران استقبال می‌کند. روان که مبهوت زیبایی دوشیزه است می‌پرسد که کیستی؟! او پاسخ من همان وجدان توام: می‌دهد

نفرت انگیز است به از سوی دیگر بوی بد ناخوشایند و عجوزه برهنه پیری که بسیار پیشواز روان بدکاران می‌آید

راستکاران با مانعی روبه رو می‌شوند، آن رودخانه در مسیر عبور هم بدکاران وهم است ایست که از اشک سوگواران درست شده

زاری و گریه بیش از اندازه رودخانه را به طغیان می‌آورد و عبور از پل را برای روان دشوار می‌سازد

شمرند به همین سبب زرتشتیان زاری و مویه بسیار را گناه می‌اما زمانی که روان به محل مکافات می‌رسد هنوز به جایگاه ابدی خود نرسیده است. چرا که انسان باستان عقیده داشت تنها هدف از هر مجازات عادلانه ای صرفاً و بازسازی است اصلاح

استمکارانند یعنی اگر پدر یا مادری فقط محض مجازات فرزند خود را تنبیه کنند از تواند اصلاح بنابراین چنین کاری به خدا نسبتی ندارد. رنج جاودانه در دوزخ نمی‌!!!کننده باشد

در آن مجازات هر چند سخت به این ترتیب دوزخ انسان باستان جایگاه موقتیست که مردم هم از بهشت اقدامی برای اصلاح است، به طوری که وقتی خیر پیروز شود همه گردند و هم از دوزخ برانگیخته می‌شوند و همه با مبدا خود یکی می‌ونماد هر آخرین دوره تاریخ بر طبق آیین های باستانی به چهار دوره تقسیم شده است: کدام یکی از فلزات است

الهام شد، نقره نماد دوره ای که شاه زر نماد دوره ای که در آن دین نیکو به زردتشت ساسانی و آهن نماد دوره کنونی است یعنی گشتاسب دین را می‌پذیرد، روی نماد دوران منجی است! (در دین زرتشتی که دین رو به تنزل است و دوران پیش از ظهور نخستین یک بار ظهور می‌اعتقاد به ظهور سه منجی وجود دارد که هر کدام هر هزار سال (کنند)

دوران آهن:

که در کتب با عنوان علایم ظهور نام برده شده است یعنی نشانه این دورهان چیز است ژولیده مو به ایران می تازند که نتیجه آن نابودی تجلیات ترس و قدرت شر دیوان است کامل زندگی منظم در این سرزمین ستارگان در در پایان این دوران که انواع بلایا بر زمین فرود می آیند سرانجام بارش پیروز می آسمان پیدا می شود که نشانه تولد شاهزاده پارسایی است که بر لشکر شر شود و سرزمین ایرانی را پیش از تولد نخستین منجی به صورت پیشین خود در می آورد.

نخستین منجی:

راستکاری)) گرچه از دوشیزه باکره ای زاده می شود اوشیدر منجی ((گسترش دهنده! اما فرزند زردنشت هم هست
اسطوره ها آورده شده که نطفه زردنشت در دریاچه ای نگهداری می شد اما این در باکره ای را که در آن دریاچه به آب تنی پرداخت را بارور کرد و منجی نطفه دختر شد نخستین متولد

در سن سی سالگی منجی خورشید ده روز یکسره در میانه آسمان هنگام ظهر می منجی با فرشتگان بزرگ هم صحبت می شود و دین آسمانی را دیگر بار به ایستد آورد زمین می
مظاهر بهشت در زمین بوجود می آید و بخشی از آفریدگان شر یعنی گرگ نابود می شوند اما بازسازی جهان هنوز کامل نیست چرا که شر هنوز وجود دارد و این پیش در تکامل است آمد

دومین منجی:

باکره ای متولد می شود اوشیدر ماه؛ دومین منجی نیز از دوشیزه جای مانده بود این بار در حالی که خورشید در هنگام ظهر در دوره پیشین ده روز بر بیست روز در آسمان می ماند
زمین پاک خواهند شد و اعضای بیشتر آفریدگان شر از خوردن گوشت جهان به وضع بهشت بنیادین نزدیک می گردد آدمی دیگر نیازی به! نخواهد داشت و گیاهخوار خواهد شد و فقط آب خواهد نوشید

سومین و آخرین منجی:

سوشینت یا سوشیانس) آخرین منجی نیز در رحم دختر باکره ای (Saoshyant نطفه بسته می شود
آمدن او پیروزی کامل خیر فرا می رسد بیماری مرگ شکنجه و آزار از زمین اما با بندد گیاهان دائما شکوفا خواهند بود و آدمی تنها غذای معنوی خواهد خورد رخ برمی دوران پایانی و داوری و افسین همه انسانها باید از میان رودخانه ای از فلز پیش از

عبور کنند تا در پاکی کامل قرار گیرند گذاخته
 سوشیانس در نقش موبد قربانی نهایی را که هدیه جاودانگی زمانی اعطا می شود که
 همان گاو است انجام می دهد
 .گاو و هوم سفید اکسیر جاودانگی تهیه خواهد شد از پیه آن
 به دوزخ فرو خواهد ریخت و تعفن و پلیدی را فلز گذاخته که بر سطح زمین جاریست
 به خود خواهد برد
 .محبوس و خواهد مرد اهریمن در زمین
 که همانا خیر مطلق همه آفرینش تلفیق کاملی از روح و ماده خواهند شد و اراده خدا
 است بر نظام آفرینش حاکم خواهد شد
 عاقبت اهریمن بیان نشده است اما آنچه به وضوح دیده می شود در متون باستانی دقیقا
 هستی خواهد بود فرمانروایی مطلق خیر بر

نیست در اینجا بیان قرآن در مورد سرانجام زمین خالی از لطف****
 آنها را پیشوایان اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم،و))
 ووارثین روی زمین قرار دهیم